

عساکری که
از طرف دولت
افغانستان
می جنگیدند،
به خاطر بیکاری
سرباز شده
بودند، با ماهی ۱۵
هزار افغانی کار
می کردند و هدف
آنها پر کردن شکم
اولادشان بود

استقلال به وجود بیاید باید طالبان را در قدرت شریک کند. این مقاله سال ۸۳ است و در غیر از آن با زور و فشار نمی تواند اینها را از صحنه بیرون کند و در نهایت اینها مجدد ظهور می کنند و به صحنه می آیند و امنیت را به چالش می کشند. بعد از آن ما در برابر تیم انتخاباتی امریکا در انتخابات ریاست جمهوری کاندیدا شدیم. همه چیز واضح و روشن بود که ما برنده بودیم. اسناد، مدارک و شواهد کافی داشتیم. در آن دوره یک کمیسیون مشترک از خارجی ها صندوق ها را بدل کردند! صندوق ها را برداشتند و صندوق های دیگری را جایگزین کردند. اعتراض کردیم که نتیجه انتخابات را نمی پذیریم. هیأتی از شورای امنیت سازمان ملل شامل ۳ نفر کارشناس انتخاباتی به افغانستان آمدند. من خودم با آنها نشستم و اسناد و مدارک را ارائه کردم. بسیار جالب بود که بعد از اینکه آنها اسناد و مدارک ما را متقن دیدند، قانع شدند که شما برنده انتخابات هستید یا حداقل ثقل وسیع و گسترده در انتخابات صورت گرفته است. به من گفت که ما قانع شدیم اما امریکا در شورای امنیت به ما گفت بررسی های شما به هر نتیجه ای منتهی شد بگوید کرایز برنده است و همین نتیجه فعلی درست است! به ما گفتند اگر نتیجه را باطل کنیم، قطعاً شما برنده نمی شوید چرا که انتخابات باطل می شود و باید دوباره انتخابات برگزار شود و دیگر دنیا برای برگزاری انتخابات در افغانستان پول نمی دهد. بعد از مشورت ما به این نتیجه رسیدیم که خودمان اعلام می کنیم در عین حالی که متقربانه عمل شده، به خاطر مصالح کشور نتیجه انتخابات را می پذیریم. به آنها گفتیم شما نتیجه را اعلام نکنید در غیر این صورت اگر اعلام نتیجه کردید و گفتید همین که اعلام شده درست است ما اسناد خودمان را منتشر می کنیم. آنها بدون اینکه نتیجه ای اعلام کنند، افغانستان را ترک کردند. ما خودمان یک کنفرانس مطبوعاتی گرفتیم و آقای قانونی طی آن گفتند اسناد و مدارک ما ثقل شده و هیأت کارشناسی سازمان ملل هم متقاعد شده اند، ولی به خاطر نبود امکانات برگزاری انتخابات مجدد، ما همین نتیجه را به خاطر مصالح کشور می پذیریم. بعد از آن در سال ۱۳۸۳ من از کابل در انتخابات پارلمان کاندیدا شدم.

برنامه های من برای مجلس ۷-۸ موضوع بود. یکی از آنها این بود که وضعیت خارجی ها در کشور ما باید تغییر کند. اینها باید تحت نظارت قانون افغانستان قرارگیرند نه اینکه هرکاری دلشان بخواهد در اینجا انجام دهند. یک بند دیگر از برنامه های ما این بود که قانونگذاری بر مبنای احکام مقدس دین اسلام در افغانستان باشد که مطابق ماده ۳ قانون اساسی ما هم هست. من دو دوره در پارلمان بودم و دقیقاً کار من همین بود. آن زمانی که بالاخره توافقنامه امنیتی بین افغانستان و امریکا امضا شد ما در داخل مجلس تیم خودمان را داشتیم و تلاش های زیادی کردیم گرچه موفق نشدیم ولی آنجا در حال مبارزه بودیم. در آن مدت چند قانون را به دلیل تضاد با مبانی و احکام اسلامی رد کردیم. بعد هم که از پارلمان استعفا دادیم، در چه شرایطی وارد تیم حکومتی آقای اشرف غنی شدیم؟ در شرایطی وارد شدیم که